بسم الله الرحمن الرحیم

# خلاصه باب سب

ضمن بررسی بحث سب به مباحث كلان‌تر و عمومي­تري در باب محرمات قولي در برابر ديگران رسيديم كه مهم‌ترین عناوين عامه مُحَرَّم در اقوال و روابط انسان با ديگران، بلكه در اقوال و افعال دو عنوان اهانت و توهين و دیگری ايذاء و آزار رساندن بود.

عنوان كذب نیز مطرح است ولی كذب فقط در ارتباط انسان با ديگران مطرح نيست. كذب امر حرام است كه مسائل زیادی را در برمی‌گیرد، ولي آنچه به‌طور خاص در حوزه ارتباطات انسان با ديگران مي­تواند به‌عنوان امر حرام به حساب آيد در دو عنوان كليدي و ريشه­اي یعنی عنوان اهانت و توهين و عنوان ايذاء و آزار رساندن خلاصه می­شود.

## تقسیم‌بندی باب سب

اين دو تفاوت‌هایی داشتند و ذيل هرکدام تقسيم فعلي و قولي صورت مي­گرفت. یعنی اهانت فعلي و اهانت قولي و ايذاء فعلي و ايذاء قولي. هرکدام از ايذاء و اهانت قولي اقسام و فروعاتی و انواعي داشت كه به‌صورت يك تسلسل و ترتب از عام به خاص تنظيم مي­شد. مثلاً در بحث سب كه يكي از انواع اهانت قولي است و گاهي هم در آن ايذاء وجود دارد چنین تقسیم­بندی صورت گرفت. لذا به دو تا معيار كلي در محرمات در روابط ميان افراد و گروه‌ها اشاره شد. و به بخش‌هایی از يك منظومه جامع از محرمات پرداخته شد. و تا حدي نقشه جامع آن در بحث سب البته به‌طور خاص ارائه شد.

# نقطه مقابل سب

در نقطه مقابل اين محرمات و مضمومات در روابط ميان افراد باید به آنچه ممدوح است نیز اشاره شود چراکه بحث‌هاي ارزشمندي وجود دارد كه جاي بحث و سخن فقهي دارد. در قرآن در حوزه اقوال در روابط افراد به عناوینی امر شده است مثل قول ليِّن، قول سديد، قول حسن و قول معروف يعني مقابل اقوالي مثل سبّ و لعن و اهانت و ايذاء و امثال این‌ها. لذا بدون اينكه بخواهيم وارد بحث شويم اشاره می­کنیم كه نقطه مقابل اين دو حرام اصلي كه اهانت و ايذاء بود چند عنوان اصلي وجود دارد كه به آن ترغيب شده است. فعلاً آنچه مي‌شود گفت اين است كه ممدوح شمرده شده است و رجحان دارد.

## تقسیم‌بندی این باب

بعضي مراتب و موارد ممدوحات روابط بین فردی در حد وجوب است بعضي از آن در حد استحباب است. مثلاً عنوان اكرام مقابل اهانت است. اكرام مؤمن، اكرام ديگران و حفظ حرمت و حريم كرامت ديگران واجب است و یا مثلاً سود رساندن به ديگران که مقابل ايذاء است. در حقيقت در برابر آن دو عنوان مضموم كلي در اقوال و افعال قرار دارند و سلسله مراتبي پيدا مي­كنند. ذيل اين دو عنوان مسائل زيادي قرار مي­گيرد ازجمله انواع اكرام، درجات اكرام، گروه‌های مختلفي كه مورد اكرام قرار مي­گيرند که برحسب مورد گاهي واجب و گاهي مستحب و گاهي مستحب مؤكد و گاهی واجب مؤكد است و همه آن‌ها هم احكام فقهي جدي دارند و نمي­شود آن‌ها را صرفاً بحث اخلاقي دانست. مع الاسف در این باب بحث جامعی صورت نگرفته است. صله‌رحم نیز به نحوي در اينجا قرار مي­گيرد. تقريباً اين دو سه عنوان خيلي عام است كه در ذيل آن مي­شود همه عناوين را تقريباً گنجاند. البته نمي­توان گفت اين استقراء تامي است ولي تقريباً انواع عناوين و واجبات و مستحبات در ذيل اين دو عنوان عام قرار مي­گيرند. در اين طرف البته استحباب دامنه وسيع­تري نسبت به وجوب دارد.

### دامنه روایی

ابواب فعل معروف، احكام عشرت و ابواب جهاد با نفس باید بررسی شود. همان‌طور كه غالب روايات محرمات در روابط ميان­فردي در همين ابواب آمده است. البته پيشنهاد ما اين است كه در حوزه فقه باب روابط ميان­فردي و ميان­گروهي با قيودي كه بايد بگوييم گشوده شود و بر اساس آن محرمات موردتوجه قرار گيرد تا در فقه جايگاه مناسبي پيدا كند و در يك كتاب منظم و جديد فقهي قرار گيرد. چراکه بسيار مورد ابتلا است و احكام فقهي بسيار مهمي دارد.

# باب سحر

با ترتيبي كه در مكاسب محرمه مرحوم شيخ و ديگراني که به طبع ايشان و حتي قبل از ايشان در بخش افعال محرمه نقل شده و در اين قسمت با ترتيب حروف الفبا پیش رفته­اند به سب و بعد از آن سحر رسيديم.

بحث سحر از مباحث بسيار مهمي است كه در فقه مطرح شده و جاي بسط كلام و سخن فراوان دارد.

## نكات مقدماتي

### 1. تعریف علم سحر

#### تقسیم‌­بندی علوم

بحث سحر در زمره علوم غريبه به حساب مي­آيد، اين جهتی است كه در بحث‌های سابق در بحث تنجيم بود گذشت كه علوم به علوم غريبه و علوم طبيعي، عادي، معمولي تقسيم مي­شود. علوم طبيعي و معمولي انواعي دارد كه عقلي، نظري، تجربي، ديني، وحياني، علوم عرفاني و امثال این‌ها است كه علوم عادي و متعارف است. در برابر این‌ها قسمي به نام علوم غريبه قرار دارد که خود اقسامي دارد. در حوزه‌ها و بين علماء از قديم انواعي از علوم غريبه متعارف بوده است.

تعریف علوم غریبه

مقصود از علوم غريبه علومي است كه با روش‌های متعارف نظري و تجربي به دست نمي­آيد، بلكه روش‌های ويژه­اي دارد از انواع علم حروف، علم طلسمات، پيشگويي­ها، کهانت و سحر و غیره كه همه جزء علوم غريبه هستند. مخصوصاً علم حروف که در بين علماء خيلي رواج داشته است مثلاً‌ محي­الدين عربي و خيلي از بزرگان به علم حروف توجه خاص داشته­اند. در روايات نیز آن‌ها واقعياتي قائل‌اند. روش‌های این علم متعارف و عادي نيست كه بشود با قواعد متعارف علمی شده و قابل یادگیری برای هر كسي شود. البته تجربي به معناي علم امروزي نيست ولي به نحوي قابل‌آزمایش به معناي عام است.

علوم غیرمتعارف در فقه

همه علوم غیرمتعارف ازنظر فقهي باطل نیست. ممكن است بين این علوم غیرمتعارف علمی باشد كه ممارست به آن مانعي نداشته باشد مانند علم حروف. البته تابه‌حال در كتب فقهي بحث جامعي در علوم غريبه نشده است. در فقه التربية نیز به تعليم و تعلّم سحر كمي پرداخته شد.

جمع‌‌­بندی

علوم غريبه باید به صورت همه‌جانبه هم بازشناسی و تعریف‌شده و هم ارزش واقعي آن‌ها مشخص گردد و نهايتاً‌ جايگاه آن‌ها در فقه و احكام فقهي آن‌ها تبيين شود. سحر هم در اين مجموعه قرار مي­گيرد. حكم كلي واحدي بر همه علوم غريبه نمي­شود لذا نیازمند كار جديدي است.

### 2. جایگاه سحر در علوم

#### علمی مستقل

بحث سحر به‌عنوان يك علم هويتی مستقل دارد. دانشي است و كتب دارد و به‌صورت سینه‌به‌سینه و استاد و شاگرد منتقل می­شود. البته ذوق شخصي در آن دخالت دارد. علاوه بر این بُعد استقلالي و هويت ذاتي علم سحر كه قاعدتاً‌ موضوع و محمولی دارد كه چون تسلط به آن نداریم نمي­توانيم دقيق راجع به آن سخن بگوييم.

#### در علم کلام

سحر در چند علم ديگر موردتوجه قرار گرفته است ازجمله در علم كلام. چراکه بحث معجزه كه در كلام مطرح مي­شود از سؤال­هاي بسیار جدي در این علم «**ما الفرق بين الاعجاز و السحر**» بوده است. لذا طبعاً در كلام جاي بحث دارد.

#### در معرفت‌شناسی

از جهت ديگر سحر مي­تواند در فلسفه از اين حيث كه چه مقدار از آن واقعيت دارد و بر واقعيت مبتني است موردبحث قرار گيرد. يعني درواقع سحر در مباحث معرفت‌شناسی یا اپیستمولوژی دانشی وسيع و مجموعه­اي از گزاره­ها و قضاياست. در معرفت‌شناسی بحث می­شود که سحر چه مقدار واقع را منعكس مي­كند و حقیقت‌نماست. گرچه اين بحث ضمن مباحث كلامي يا بحث­هاي تفسيري و حديثي آمده است ولي در حقيقت بحث فلسفي و معرفت‌شناسی جايگاه خود را دارد که چندان جامع و دقيق كار نشده است.

#### در علم الحدیث

علاوه بر كتب تفسيري در حدیث‌شناسی و علم الحديث هم به دليل اینکه احاديث فراواني داريم سحر مطرح شده است.

#### در اخلاق

از سوی ديگر در اخلاق به لحاظ بعد اخلاقي و حسن و قبح اخلاقي آن کم‌وبیش مطرح مي­شود.

#### در شیمی

کم‌وبیش مي‌توان سحر را به علم كيميا و شيمي و تنجيم و غیره ربط داد البته از حيث تفاوت این‌ها باید مشخص شود كه چه ارتباطي دارند.

در علم طب

در علم طب مفصلاً مطرح است. در كتب طبي ابطال سحر و ادعيه­اي كه ابطال سحر مي­كند آمده است.

* علاوه بر علوم مطرح شده جایگاه سحر در روانشناسي، جامعه‌شناسی، فلسفه دين و دین‌شناسی هم قابل‌بررسی است.

#### در فقه

سحر در علم فقه در چند جایگاه موردبحث قرار گرفته است.

1. در بحث مسلم و كافر و اينكه آيا ساحر كافر است يا نه؟
2. در مكاسب محرمه ازآنجایی‌که سحر يك كسب حرام تلقي مي­شود.
3. در بحث حدود و تعزيرات. آيا سحر حد يا تعزير دارد كه بعضي حدش را قتل مي­دانند و لذا اين حيث در حدود و تعزيرات مطرح مي­شود.

* البته ممكن است كه مناسبت‌های فقهي ديگري هم داشته باشد.

### 3. سحر در منابع دینی

#### سحر در قرآن

بحث سحر در منابع و متون ديني جايگاه برجسته­اي دارد. در آيات شريفه قرآن تقريباً نزديك به شصت مورد واژه سحر و مشتقات آن به كار رفته است. در كلام استاد سبحاني تعداد را حدود هفتاد مورد دانسته لکن این‌گونه نيست. ظاهراً ایشان اسحار و امثالهم را که به معناي ديگری است و ربطي به بحث ما ندارد ملحق به سحر كرده­اند.

موارد استعمال

1. اتهام كفار به پيامبران و انبياء و متهم كردن انبياء به اينكه آن‌ها ساحرند. « **كَذلِكَ ما أَتَى الَّذينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلاَّ قالُوا ساحِرٌ**» (الذاریات/51) همین مسئله در مورد پيامبر اعظم و قصه مشهور حضرت موسي(علیه‌السلام) تکرار شده است.
2. و متصف کردن دستاوردهاي وحي به سحر وقتي در مقابل پیامبران احساس عجز مي­كردند و نفوذ و جاذبه وي و كلام وحي را مي­ديدند. « **إِذْ قالَ اللَّهُ يا عيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتي‏ عَلَيْكَ وَ عَلى‏ والِدَتِكَ إِذْ أَيَّدْتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَ كَهْلاً وَ إِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ التَّوْراةَ وَ الْإِنْجيلَ وَ إِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْني‏ فَتَنْفُخُ فيها فَتَكُونُ طَيْراً بِإِذْني‏ وَ تُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ بِإِذْني‏ وَ إِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتى‏ بِإِذْني‏ وَ إِذْ كَفَفْتُ بَني‏ إِسْرائيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُمْ بِالْبَيِّناتِ فَقالَ الَّذينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هذا إِلاَّ سِحْرٌ مُبينٌ** (مائده/110)»

مهم‌ترین آيات سحر

آيه 102 سوره بقره از مهم‌ترین آيات سحر است كه مربوط به سحري است كه يهود در بابل داشتند و در آن جامعه رواج پيدا كرده بود. اگر بخواهيم دسته‌بندی كنيم عمده‌ترین موارد در باب سحر است در آيه 102 سوره بقره است.

اين آيه در جلد اول الميزان صفحه 235 است **« وَ اتَّبَعُواْ مَا تَتْلُواْ الشَّيَاطِينُ عَلىَ‏ مُلْكِ سُلَيْمَنَ وَ مَا كَفَرَ سُلَيْمَنُ وَ لَاكِنَّ الشَّيَطِينَ كَفَرُواْ يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَ مَا أُنزِلَ عَلىَ الْمَلَكَينِ بِبَابِلَ هَرُوتَ وَ مَرُوتَ وَ مَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتىَ‏ يَقُولَا إِنَّمَا نحَنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَينَ الْمَرْءِ وَ زَوْجِهِ وَ مَا هُم بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ يَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَ لَا يَنفَعُهُمْ وَ لَقَدْ عَلِمُواْ لَمَنِ اشْترَئهُ مَا لَهُ فىِ الاْخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ وَ لَبِئْسَ مَا شَرَوْاْ بِهِ أَنفُسَهُمْ لَوْ كَانُواْ يَعْلَمُونَ**(102) **وَ لَوْ أَنَّهُمْ ءَامَنُواْ وَ اتَّقَوْاْ لَمَثُوبَةٌ مِّنْ عِندِ اللَّهِ خَيرٌ لَّوْ كاَنُواْ يَعْلَمُونَ**(103) »

پر احتمال­‌ترین آیه

اين آيه شريفه تقريباً‌ مهم‌ترین آيه در مورد سحر قرآن كريم است كه در جلد اول الميزان بحث شده است علاوه بر این، آيه از مهم‌ترین آيات به لحاظ تعدد احتمالات است. مرحوم علامه در ضمن آیه بیان می­کنند كه ضمير **اتَّبَعُواْ** به چه كسي برمی‌گردد، **تَتْلُواْ** يعني چه، شياطين چه كساني هستند، و **عَلىَ** چيست و همین‌طور جمله به جمله احتمالاتش را ذكر مي­كند و بعد می‌فرماید كه « **إذا ضربت بعض الأرقام التي ذكرناها من الاحتمالات في البعض الآخر، ارتقى الاحتمالات إلى كمية عجيبة و هي ما يقرب من ألف ألف و مائتين و ستين ألف احتمال!.** » یعنی یک‌میلیون و دويست و شصت هزار احتمال در اين آيه وجود دارد. مرحوم علامه اينجا هم بحث تفصيلي دارند و هم بحث روایي و هم بحث فلسفي.

سحر در المیزان

و ازجمله بخش­هایی که مرحوم علامه به اين بحث پرداخته يكي جلد شصت­وسه است و در اينجا حدود سي­ودو روايت را نقل كرده­اند و در جلد پنجاه­وهشت و شصت نیز هم روايت آورده شده است و هم بحث مفصلي كرده­اند. در جلد نود­و­شش هم دعا براي دفع سحر آمده است. در دو جلد ديگر بحث ملائكه مطرح شده است که در ادامه از آن‌ها استفاده خواهيم كرد.

سحر در روایات

جمع كل روايات در باب سحر گرچه دقيق نمي­توان گفت شايد به صد روايت در منابع شيعه و سني برسد. و حتماً كمتر از اين نيست.

### 4. سحر در تاریخ

ازلحاظ تاريخي بحث سحر در تاريخ تمدن بشري سابقه­ای كهن دارد و تقريباً ‌در همه اقوام و ملل و تمدن‌ها بحث سحر مطرح بوده است. گاهي ساحرين و اهل سحر جايگاه بزرگ و بلندمرتبه‌ای پيدا مي­گردند بخصوص در دربار سلاطین، همان‌طور كه منجمان پيشگويي­هاي مي­كردند و جايگاه بالاي داشتند ساحران نیز يك صنف و طبقه بودند. گاهي اين طبقه صاحب نفوذ زيادي در دربارها و جوامع می‌شدند.

بنابراين سحر يك امر ريشه دارد در تاريخ تمدن بشري است و در تمام اقوام و ملل است. شايد نشود هيچ تمدن و قومي را پيدا كرد كه به نحوي مبتلا به علوم غريبه و بخصوص سحر نباشد.

### 5. جایگاه اجتماعی سحر

هم‌اکنون هم سحر در بعضي جوامع وجود دارد و عجيب اين است كه حتي در اروپا و آمريكا كه اوضاع‌واحوال پيشرفته­اي دارد و پیشتاز علوم جدید است سحر چندان هم بي­رواج نيست كه جاي شگفتي دارد. لذا سحر نوعی جامعه‌شناسی و روان‌شناختی خاص دارد. به دلیل اين جايگاه و اهميت كه امروز هم كمابيش وجود دارد، قابل‌تحلیل و ارزيابي روان‌شناختی و جامعه‌شناختی است. در برخی كشورهاي آفريقايي و در بعضي كشورها هم كه پيشرفته هستند بحث سحر منتفي نيست و در بعضي كشورها مثل نظام پزشكي نظام سحر وجود دارند.

* بسياري از اين عرفان‌ها و جريانات فكري و اعتقادي و عملي انحرافي امروزه به سحر و كهانت و شعبده برمي­گردد.